



چالش‌هایی پیش روی الهیات عملی

اکبر قربانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

الهیات عملی را می‌توان نوعی گسترش کاربردی و کارکردی آموزه‌های الهیاتی، یا برآمده از الهیات، در زندگی انسان دانست. نوشتار حاضر، با توجه به معنای عام الهیات، به برخی چالش‌های پیش روی الهیات عملی می‌پردازد. چالش اول انتظار بشر از دین است. با عنایت به انتظار گسترده از دین است که می‌توان پای الهیات را به قلمرو اجتماع و نهادهای اجتماعی کشاند. اگر انتظار حداقلی از دین داشته باشیم، نقش الهیات چندان برجسته نخواهد بود. چالش دوم رابطه سنت و تجدد است. در دوران سنت و با نگرش سنتی برخی نهادهای اجتماعی پیوند وثیقی با دین و الهیات داشتند، اما در نگرش و دوران متجدد نقش اجتماعی یا سازمانی الهیات غالباً بر عهده نهادهای جدید برآمده از علوم جدید و دنیای متجدد است. از این رو، در دوران متجدد و با نگرش تجددگرایانه، الهیات عملی متهم به نوستالژی و موضع انفعالی می‌شود. چالش سوم مصادره الهیات عملی توسط روحانیت رسمی است. تاریخ دین و الهیات حکایت از این دارد که روحانیت رسمی و حکومتی با رویکردی انحصارطلبانه و تمامیت‌خواهانه توانسته است دین و الهیات را به نفع خود و در راستای افزایش قدرت و ثروت و نفوذ اجتماعی خود مصادره کند. هرچند این مصادره گهگاه به مصلحت عمومی و اجتماعی منجر شده است، اما به نظر می‌رسد مفسده این مصادره بیش از مصلحت آن باشد. چالش چهارم جهانی شدن است. با توجه به فرایند جهانی شدن، اهمیت و ضرورت الهیات جهانی افزایش یافته است. از این رو، الهیات عملی بدون غلبه بر بنیادگرایی و انحصارگرایی دینی نمی‌تواند به حل و فصل مسائل و معضلات جهانی کمک کند. توفیق و گسترش الهیات عملی در گرو پاسخ نظری و عملی به چالش‌های پیش‌گفته است، چالش‌هایی که نه تنها الهیات بلکه خود دین و دین‌ورزی را نیز به مخاطره انداخته است.

کلیدواژه‌ها

الهیات عملی، انتظار بشر از دین، سنت و تجدد، روحانیت رسمی، جهانی شدن

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد اردستان، اردستان، ایران.

(qorbani61@gmail.com)



Challenges Facing Practical Theology

Akbar Qorbani¹

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

Practical theology can be considered as a kind of practical and functional expansion of theological teachings or something derived from theology in human life. The present article, considering the general meaning of theology, addresses some of the challenges facing practical theology. The first challenge: human expectation of religion. It is according to the widespread expectation of religion that theology can enter the realm of society and social institutions. By a minimum expectation from religion, the role of theology will not be so prominent. The second challenge: tradition and modernity. In the traditional era and with a traditional attitude, some social institutions have been closely related to religion and theology, but in the modern attitude and era, the social or organizational role of theology is often relegated to new institutions from the new sciences and the modern world. Hence, in the modern age and with a modern attitude, practical theology is accused of a nostalgic and passive attitude. The third challenge: confiscation of practical theology by the official clergy. The history of religion and theology shows that the official and governmental clergy, with an exclusive and totalitarian approach, has been able to confiscate religion and theology in their favor and in order to increase power, wealth, and social influence. Although this confiscation has occasionally led to the public and social interest, it seems that the corruption caused by this confiscation is more than its interest. The fourth challenge: globalization. Due to the process of globalization, the importance and necessity of global theology have increased. Hence, practical theology, without overcoming religious fundamentalism and exclusivism, cannot solve global problems. The success and development of practical theology depend on the theoretical and practical response to the aforementioned challenges; Challenges that have endangered not only theology but also religion itself.

Keywords

Practical Theology, Human's Expectation from Religion, Tradition and Modernity, Official Clergy, Globalization

1. Assistant Professor, Islamic Teachings Department, Ardestan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Ardestan, Iran. (qorbani61@gmail.com)

۱. مقدمه

یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید الهیات، که پیشینه آن در غرب مسیحی به فریدریش شلایرماخر (۱۷۶۸-۱۸۳۴) بازمی‌گردد، الهیات عملی است. الهیات عملی، که بنا بر تقسیم‌بندی شلایرماخر در کنار الهیات فلسفی و الهیات تاریخی قرار می‌گیرد (Schleiermacher 1966)، در واقع نوعی گسترش کاربردی و کارکردی آموزه‌های الهیاتی یا برآمده از الهیات در زندگی و اجتماع انسانی است. نوشتار حاضر برخی چالش‌های پیش روی الهیات عملی را برشمرده و کوشیده است تا گسترش و توفیق الهیات عملی را در نسبت با این چالش‌ها تبیین و تحلیل کند.

۲. انتظار بشر از دین

یکی از پرسش‌های ناظر به دین و زندگی دینی پرسش انتظار بشر از دین است. این پرسش از منظرهای گوناگونی قابل طرح و بررسی است و خاستگاه‌های متفاوتی دارد (نک: نقد و نظر ۱۳۷۵). به نظر می‌رسد اشاره به دو رویکرد کلی در انتظار بشر از دین برای مقصود ما در این نوشتار کفایت می‌کند، که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۲-۱. انتظارات گسترده از دین

در این رویکرد، که به ویژه روحانیت سنتی و نیز بنیادگرایان دینی از طرفداران آن به شمار می‌آیند، دین و آموزه‌های دینی پاسخگوی نیازها و مسائل مادی و معنوی و تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان و اجتماع انسانی دانسته می‌شود. این مدعا دست‌کم از دو راه مدلل شده است: یکی این که آفریدگار و منشأ انسان و دین یکی است و هم اوست که با علم و قدرت و خیرخواهی مطلقش نیازها و مسائل زندگی دنیوی انسان و عوامل و موانع سعادت او را می‌داند و می‌تواند و می‌خواهد که برای آنها پاسخی مطمئن و تضمین‌شده فراهم آورد و از طریق ارسال رسل و تشریح شرایع چنین کرده است. دیگر این که برخی گزاره‌های دینی شاهدی بر این انتظار گسترده از دین است، از جمله این عبارت قرآنی که «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل، ۸۹). در این رویکرد، قلمرو دین چنان گسترده است که افزون بر هدایت معنوی و اخلاقی و سعادت اخروی، شامل بسیاری از جزئیات زندگی دنیوی نیز می‌شود و از حکومت و سیاست گرفته تا اقتصاد و بازار و خانواده و آموزش و پرورش را در بر می‌گیرد. در این رویکرد است که از علم دینی و دانشگاه اسلامی و اقتصاد اسلامی و بانک‌داری اسلامی و مدیریت اسلامی و حتی روان‌شناسی اسلامی و طب اسلامی سخن می‌رود.

۲-۲. انتظارات محدود از دین

رویکرد دوم، با عنایت به این که موضوع و هدف دین هدایت معنوی و اخلاقی و سعادت اخروی و ابدی انسان است، کوشیده است انتظارات متناسب با موضوع و هدف دین را مطرح کند. بسیاری از چیزهایی که طرفداران دیدگاه نخست بر دوش دین و آموزه‌های دینی نهاده‌اند، در دیدگاه دوم بر عهده عقل و تجربه انسان در طول تاریخ نهاده شده است. افزون بر روشنفکران و نواندیشان دینی معاصر که از طرفداران این رویکرد هستند، در آرا و آثار اندیشمندان پیشین نیز می‌توان شواهدی برای آن یافت. برای نمونه، ابن خلدون طبابت را دستاورد وحی نمی‌داند و از وظایف پیامبر (ص) برنمی‌شمارد: «فإنه إنما بُعِثَ ليعلمنا الشرائع، و لم يُبعث لتعريف الطب و لا غيره من العاديات» (ابن خلدون ۱۴۲۱، ۴۰۵).

در این رویکرد، عقل یا مجموع قوای ادراکی انسان مقدم بر متن دین دانسته می‌شود و با همین عقل و قوای ادراکی است که انسان با دین مواجه می‌شود و آن را تفسیر و تبیین می‌کند. بر پایه این نگرش، معنای عبارت قرآنی «و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء» از این قرار است که هر آنچه به هدایت و سعادت انسان مربوط باشد در این کتاب (قرآن) آمده است. در واقع، با توجه به این که قرآن برای هدایت انسان است، مراد از «کل شيء» نیز روشن می‌شود (در تفصیل این معنا، نک. طباطبایی ۱۴۱۷، ۱۲: ۳۲۵).

اگرچه بحث در چند و چون مسئله انتظار بشر از دین خارج از مقصود این نوشتار است، اما رویکرد دوم صحیح به نظر می‌رسد و قابل دفاع است. رویکرد نخست، چه در مسیحیت و چه در اسلام، قرین صحت و موفقیت نبوده است. هشدار برخی نواندیشان جهان مسیحی را باید جدی گرفت که مسلمانان را از پیمودن راه رفته مسیحیان بر حذر می‌دارند (کیوپیت ۱۳۸۵، ۱۲).

حال می‌توان گفت که با عنایت به انتظار گسترده و حداکثری از دین است که می‌توان از الهیات عملی سخن گفت و پای الهیات و آموزه‌های الهیاتی را به قلمرو اجتماع و نهادهای اجتماعی کشاند. اگر انتظار محدود و حداقلی از دین داشته باشیم، نقش الهیات چندان برجسته نخواهد بود و الهیات عملی گسترش و توفیق‌چندانی نخواهد داشت و مقبول نخواهد افتاد. البته الهیات عملی در قلمرو مورد انتظار از دین و الهیات می‌تواند مفید و مؤثر باشد، به این شرط که از حدود و ثغور خود فراتر نرود و توفیق دیگران را به پای خود ننویسد.

۳. سنت و تجدد

دنیای متجدد و نگرش تجددگرایانه، با ویژگی‌هایی همچون استدلال‌گرایی، تجربه‌گرایی و رشد علوم تجربی، فناوری، صنعت، بازار آزاد، انسان‌مداری، فردگرایی، سکولاریسم و دموکراسی لیبرال، در پنج قرن گذشته به تدریج نمایان و فراگیر شده و خرد و کلان و پیر و جوان را در بر گرفته است. در این وضعیت مدرن، دین و الهیات که فرآورده و بازمانده دوران سنت‌اند به سختی می‌توانند جایگاه و پایگاه پیشین و سنتی خود را حفظ کنند. در دوران سنت و با نگرش سنتی، برخی نهادهای اجتماعی پیوند وثیقی با دین و الهیات داشته است، اما در نگرش و دوران متجدد نقش اجتماعی یا سازمانی الهیات غالباً بر عهده نهادهای جدید برآمده از علوم جدید و دنیای متجدد است. ساختارهای دنیای متجدد، کم یا بیش، دنیای انسان را آباد و رفاه و آسایش او را تأمین کرده و جایی برای دخالت دین و الهیات باقی نگذاشته‌اند. دین و الهیات، با حفظ حرمت و قداست، به حاشیه رفته‌اند و نوعی تشریفات معنوی به شمار می‌آیند. ورود الهیات به قلمروهایی همچون محیط زیست، بنیادهای نیکوکاری، بازار و اقتصاد، حکومت و سیاست، تفریح و سرگرمی، بهداشت و درمان، و حتی آموزش و پرورش، چیزی جز پیروی و تقلید از ساختارها و سازمان‌های دنیای متجدد نیست. از این رو، در دوران متجدد و با نگرش تجددگرایانه، که البته پیراسته از نقد و انتقاد نیست، الهیات عملی متهم به نوستالژی (دل‌تنگی برای گذشته) و موضع انفعالی می‌شود. در این شرایط، الهیات عملی آنگاه گسترش و توفیق می‌یابد که اولاً طرحی نو دراندازد و ثانیاً گرهی از کار فروبسته‌ای بگشاید.

۴. مصادره الهیات عملی توسط روحانیت رسمی

آنجا که پای دین و الهیات به میان می‌آید، ناگزیر پای روحانیت رسمی نیز به میان کشیده می‌شود. تاریخ پرفرازونشیب دین و الهیات حکایت از این دارد که روحانیت رسمی و حکومتی، با رویکردی انحصارطلبانه و تمامیت‌خواهانه، توانسته است دین و الهیات را به نفع خود و در راستای افزایش قدرت و ثروت و نفوذ اجتماعی مصادره کند. هرچند این مصادره گهگاه به مصلحت عمومی و اجتماعی منجر شده است، اما به نظر می‌رسد مفسده این مصادره بیش از مصلحت آن باشد. با نگاهی آسیب‌شناسانه می‌توان دریافت که الهیات عملی بیش از الهیات فلسفی و الهیات تاریخی زمینه و ظرفیت ورود و تاخت‌وتاز روحانیت رسمی را دارد. در واقع، اقتضای الهیات عملی این است که با اجتماع و نهادها و سازمان‌های اجتماعی درآمیزد. این پیوند می‌تواند منافع و موقعیت‌های چشم‌نوازی را

فراهم آورد و طمع عالمان و الهی‌دانان را برانگیزد. طبیعی است که روحانیت رسمی بیش از دیگران به این منافع و موقعیت‌ها چشم بدوزد. البته در اینجا سخن بر سر حذف روحانیت رسمی از صحنه الهیات عملی نیست، بلکه تمامیت‌خواهی و انحصارطلبی ایشان است که نگران‌کننده است و می‌تواند الهیات عملی را به دکانی تقدس‌آمیز فروکاهد.

۵. جهانی شدن

زیستن در دنیای معاصر بدون فهمی شایسته از جهانی شدن و شرایط و لوازم خاص آن چندان ثمربخش و کارآمد نیست. بسیاری از مسائل و معضلات دنیای معاصر جهانی است و محدود به کشور و منطقه خاصی نیست. دین‌ورزی و الهیات نیز در این گذر و گذار تحولاتی داشته و دارند. امروزه نمی‌توان تنها به آموزه‌های الهیاتی یک دین و مذهب توجه داشت و الهیات ادیان و مذاهب دیگر را نادیده انگاشت. با توجه به فرایند جهانی شدن، اهمیت و ضرورت الهیات جهانی افزایش یافته است، چیزی که نادیده گرفتن آن به انزوای دینی و مذهبی یا رویکردهای تند و افراط‌گرایانه می‌انجامد. از این رو، الهیات عملی بدون غلبه بر بنیادگرایی و انحصارگرایی دینی نمی‌تواند به حل و فصل مسائل و معضلات جهانی کمک کند. مدارس دینی و دانشگاه‌ها لازم است تعلیم و تربیت طلاب دینی و دانشجویان الهیات و نیز آموزش‌های تکمیلی الهی‌دانان و عالمان دینی را با توجه به وضعیت جهانی‌شده کنونی بازنگری و تدوین کنند.

۶. نتیجه‌گیری

نگرش آسیب‌شناسانه به الهیات عملی مسائل و چشم‌اندازهای این شاخه از الهیات را روشن‌تر می‌سازد و استحکام و کارآمدی آن را افزایش می‌دهد. توفیق و گسترش الهیات عملی در گرو پاسخ نظری و عملی به چالش‌های پیش‌گفته است، چالش‌هایی که نه تنها الهیات بلکه خود دین و دین‌ورزی را نیز به مخاطره انداخته است.

کتاب‌نامه

ابن‌خلدون، عبدالرحمن. ۱۴۲۱ ق. مقدمه ابن‌خلدون. بیروت: دارالکتب العلمیه.
طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ ق. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌های علمی للمطبوعات.

کیویت، دان. ۱۳۸۵. دریای ایمان. ترجمه حسن کامشاد. تهران: طرح نو.
نقد و نظر (مجله). ۱۳۷۵. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم.

Schleiermacher, Friedrich. 1966. *Brief Outline on the Study of Theology*.

Translated by Terrence N. Tice. John Knox Press.